

حق جبران و ترمیم برای بزه‌دیده

و چالش‌های فراروی آن در دیوان جنایی بین‌المللی*

□ ندا نیازمند^۱
□ مهرداد رایجیان اصلی^۲

چکیده

اگرچه «اساسنامه دیوان جنایی بین‌المللی»^۳ و «قواعد دادرسی و ادله»^۴ با رویکردی متفاوت نسبت به سایر اسناد بین‌المللی تا زمان تصویب متون فوق، جایگاه خاصی را به بزه‌دیدگان جنایات داخل در صلاحیت آن معطوف داشته‌اند، اما مسئله جبران و ترمیم برای بزه‌دیده به عنوان یکی از حق‌هایی که هم‌تراز با دادرسی دادگرانه برای متهم فرض می‌شود، نیازمند شفاف‌سازی و مشخص شدن ضوابط ناظر به آن است. در مقاله حاضر، ضمن بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا موضوع

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲۹.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (nedaniazmand@yahoo.com).

۲. استادیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (نویسنده مسئول) (mehrdad.rayejian@gmail.com).

3. The Statute of International Criminal Court.

4. The Rules of Procedure and Evidence.

حق جبران و ترمیم از بزه‌دیده و جایگاه آن در «اساسنامه دیوان جنایی بین‌المللی» و اسناد بین‌المللی مرتبط از جمله اعلامیه ۱۹۸۵ و اصول ۲۰۰۵ سازمان ملل متحد مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس گونه‌های جبران و ترمیم از بزه‌دیده در این سند بین‌المللی و چالش‌های مترتب بر آن به واسطه خلأها و نقص‌های موجود تحلیل خواهد شد. در ادامه، نمونه‌هایی از فعالیت دیوان در مسئله مورد بحث عنوان شده تا عملکرد دیوان در پی گذشت بیش از یک دهه از شروع به کار و پیروی آن از رویکرد بزه‌دیده‌مدار اساسنامه مورد بررسی قرار گیرد. در نهایت، با شناخت و بررسی این موارد و چالش‌های آن، ضرورت بازنگری در مفاد اساسنامه و همچنین تدوین ضوابط و مقرراتی خاص توسط مجمع عمومی دولت‌های عضو در جهت برآورده ساختن جبران و ترمیم برای بزه‌دیده پیشنهاد گردیده است.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده، دیوان جنایی بین‌المللی، اساسنامه، جبران و ترمیم.

مقدمه

«اساسنامه دیوان جنایی بین‌المللی» مصوب ۱۹۹۸^۱ در زمره اسنادی است که به بزه‌دیدگان توجه خاصی معطوف داشته است. «اندیشه تشکیل یک دادگاه کیفری که بتواند به طور دائم به جرایم بین‌المللی رسیدگی کند و به عنوان ابزاری پیشگیرانه با ضمانت اجرای قوی، جانان بالقوه را از ارتکاب جرم باز دارد، به بیش از شصت سال پیش، یعنی جنگ جهانی دوم و حتی پیش از آن برمی‌گردد. سرانجام، این اندیشه به عنوان آرزوی دیرینه، در ابتدای قرن بیست و یکم جامه عمل پوشید» (اسدی، ۱۳۸۸: ۷۲). بر خلاف سایر اسناد بین‌المللی پیش از اساسنامه، «دیوان جنایی بین‌المللی در راستای اتخاذ رویکردی هماهنگ با تحولات نیمه دوم قرن بیستم در توجه به حقوق بزه‌دیدگان، جایگاهی را به آنان اعطا نموده که پیشتر در هیچ یک از دادگاه‌های بین‌المللی کیفری تجربه نشده بود» (بیگی و کتانچی، ۱۳۹۷: ۲۶). موادی چند از این سند به صورت ویژه به بزه‌دیدگان، حق‌ها و جبران آسیب‌ها از آن‌ها اختصاص یافته است. در حالی که «معاهدات حقوق بین‌الملل بشردوستانه به ویژه چهار کنوانسیون ژنو مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به حمایت از قربانیان جنگ و دو پروتکل الحاقی آن‌ها مصوب ۸

۱. زین پس اساسنامه.

ژوئن ۱۹۷۷ مقرر می‌دارند کسانی که مقررات این معاهدات را نقض کنند، می‌توان از نظر کیفری مجازات نمود، اما با این حال هیچ نوع حق غرامتی برای قربانیان در نظر نمی‌گیرند» (فلاح، ۱۳۸۸: ۱۱۸). همچنین «هیچ یک از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی پیشین، اختیار اعطای غرامت به بزه‌دیدگان را نداشتند» (رضوی فرد و فقیه محمدی، ۱۳۹۰: ۲۱۷). قواعد دادرسی و ادله نیز که بر اساس پیش‌بینی ماده ۵۱ اساسنامه توسط مجمع عمومی دولت‌های عضو در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید، در راستای مفاد اساسنامه در قواعد متعددی حسب مورد، به مسائل مرتبط با بزه‌دیدگان پرداخته است؛ زیرا «دادرسی کیفری یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های حقوق بشر است و حمایت‌های حقوقی، سازوکارهایی هستند که برای احقاق حقوق بزه‌دیدگان در سراسر فرایند جنایی لحاظ می‌شوند» (رضوی فرد و دیرباز، ۱۳۹۲: ۶۸).

در خصوص مسئله جبران و ترمیم از بزه‌دیده، ماده ۷۵ اساسنامه دیوان و قاعده ۱۴۵ قواعد دادرسی و ادله در نوع خود، نوآوری قابل توجهی محسوب می‌شوند. نگارش اساسنامه و مواد پیش‌بینی شده در آن، اگرچه در نگاه اول گویای گام‌های مهمی در راستای حمایت از بزه‌دیدگان بوده و در واقع امر نیز پیشرفت قابل توجهی در این زمینه محسوب می‌شود (رضوی فرد، ۱۳۹۰: ۱۹۹)، اما دقت هر چه بیشتر در مفاد اساسنامه و چالش‌هایی که به صورت عملی در روند کار دیوان به خصوص در دعوای دادستان علیه توماس لوبانگو دایلو^۱ (در وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو) به وجود آمد (صالحی، ۱۳۹۴: ۱۵۶)، این پیام را به دنبال داشت که نظر به ساختار رسیدگی در دیوان از یک طرف و آنچه که در نظر بوده تا نسبت به بزه‌دیدگان اعمال گردد از طرف دیگر، فاصله زیادی وجود دارد. «به همین خاطر پیش‌بینی شده است که دیوان در حین رسیدگی به هر پرونده باید اصول و رویه‌های مربوط به جبران خسارت را تعیین نماید» (لعل‌علیزاده، ۱۳۹۷: ۱۶۸). اتخاذ روش رسیدگی مورد به مورد در پرونده‌ها حاکی از این است که اسناد دیوان به اندازه کافی شفاف و جامع نیستند.

در سطح داخلی و بین‌المللی، مطالعات و پژوهش‌های متعددی در زمینه بزه‌دیدگان

1. Thomas Lubango Dylo.

اعم از بزه‌دیده‌شناسی جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، حمایت از بزه‌دیدگان و مباحث مربوط به عدالت ترمیمی که نقطه اصلی تمرکز آن بر بزه‌دیدگان می‌باشد، صورت پذیرفته است. از طرف دیگر، با عنایت به اینکه این نوشتار از منظری دیگر مبحث جدی حقوق جنایی بین‌المللی و موضوعات مرتبط با دیوان جنایی بین‌المللی را نیز در بر می‌گیرد، شایان ذکر است که در این زمینه نیز مطالعات گسترده و مفیدی به زبان فارسی و سایر زبان‌ها که در موارد مختلف در این نوشتار به آن‌ها استناد گردیده، انجام شده است. از جمله کتاب‌های حقوق بزه‌دیده در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی (اسدی، ۱۳۹۱)، دادگاه کیفری بین‌المللی (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳)، جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل (خالقی، ۱۳۹۵)، آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی (صابر، ۱۳۸۸)، اهداف نظام کیفری بین‌المللی در اسناد و رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی (اردبیلی و وحید دستجردی، ۱۳۹۷).

با این حال، مسئله جبران و ترمیم آسیب‌های وارده به بزه‌دیدگان به دلیل گستردگی جنایات بین‌المللی تبدیل به موضوعی چالش‌برانگیز شده است که به صورت جدی باید مورد بررسی قرار گیرد و مستلزم پیش‌بینی ضوابط خاص و سیاست‌گذاری در این زمینه است. «[اتخاذ] معیار سیاست‌گذاری گسترده برای منتفع ساختن بزه‌دیدگان، اغلب مؤثرترین روش برای محقق ساختن ترمیم است به جای رویکرد محدود رسیدگی پرونده به پرونده^۱ در دادگاه‌ها» (Magarrell, 2007: 1). به نظر می‌رسد به جای بررسی مورد به مورد مسئله ترمیم آسیب‌های وارده به بزه‌دیده در هر پرونده، شفاف‌سازی ضوابط ناظر به جبران و ترمیم از بزه‌دیده است که ضرورت دارد؛ چرا که اگر به دنبال احقاق حق از بزه‌دیده هستیم، باید هم‌تراز با برقراری دادرسی دادگرانه برای متهم که اولویت اوست، ترمیم آسیب از بزه‌دیده نیز صورت پذیرد و اسناد دیوان حاکی از عدم شفافیت در خصوص چنین ضوابطی است.

بدین ترتیب، پیرو بررسی موضوع حق جبران و ترمیم از بزه‌دیده، پرسش‌های اصلی قابل طرح در مقاله حاضر این است که نخست، رویکرد حاکم بر دیوان جنایی

1. Case by case.

بین‌المللی نسبت به مسئله جبران و ترمیم از بزه‌دیده از چه سمت و سویی برخوردار بوده، و دوم، با در نظر گرفتن این مطلب، ناکارآمدی دیوان جنایی بین‌المللی در این موضوع، در چه مواردی قابل ذکر و بررسی است؟

بر این اساس، نوشتار حاضر ضمن بررسی موضوع حق جبران و ترمیم، ابتدا رویکرد و صلاحیت دیوان جنایی بین‌المللی را در مسئله جبران و ترمیم از بزه‌دیده مورد بررسی قرار داده و سپس ضمن بیان گونه‌های پیش‌بینی‌شده جبران و ترمیم در اساسنامه، چالش‌های مترتب بر آن را با ذکر مواردی از تجربه دیوان در طی این مدت از فعالیت تشریح می‌کند تا در نتیجه، نقص‌ها و خلأهای قابل تأمل در این خصوص شناسایی شده و حتی‌الامکان پیشنهادهایی ارائه گردد.

۱. جبران و ترمیم برای بزه‌دیده در دیوان جنایی بین‌المللی

اگرچه ماده ۷۵ اساسنامه با پیش‌بینی «ترمیم بزه‌دیدگان»،^۱ سه گونه برای ترمیم آسیب از بزه‌دیده مقرر نموده است، اعمال گونه‌های ترمیم در روند فعالیت دیوان با چالش‌هایی مواجه گردیده است. به منظور بررسی این چالش‌ها، ابتدا به این موضوع پرداخته می‌شود که آیا دو مفهوم «جبران»^۲ و «ترمیم»^۳ از منظر ضوابط دیوان و در مقایسه با سایر اسناد بین‌المللی مرتبط، متمایز می‌باشند یا خیر. در ادامه، رویکرد ترمیمی دیوان در مسئله ترمیم آسیب از بزه‌دیدگان مورد بررسی قرار گرفته و سپس گونه‌های ترمیم پیش‌بینی‌شده در اساسنامه دیوان به تفکیک تشریح و چالش‌های مترتب بر آن‌ها تحلیل می‌شوند.

۱-۱. رویکرد دیوان جنایی بین‌المللی در مسئله جبران و ترمیم از بزه‌دیده

در سندهای بین‌المللی از جمله ماده ۷۵ اساسنامه دیوان، بندهای ۴، ۵، ۱۷، ۱۹ و ۲۱ اصول بنیادین دادگری برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت مصوب ۱۹۸۵^۴

1. Reparations to victims.
2. Remedy/Redress.
3. Reparation.
4. Declaration of Basic Principles for Victims and Abuse of Power 1998. (زین‌پس، اعلامیه ۱۹۸۵)

و اصل ۷ اصول و رهنمودهای بنیادین دادگری درباره حق جبران و ترمیم برای بزه‌دیدگان نقض‌های فاحش حقوق بین‌المللی حقوق بشر و نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی مصوب ۲۰۰۵^۱ سازمان ملل متحد از دو واژه «جبران» و «ترمیم» استفاده شده است، اما تمایز این دو مفهوم به درستی مشخص نبوده و معلوم نیست که آیا حقیقتاً متمایز از یکدیگرند یا خیر. وقتی در علوم جنایی و حقوق جنایی بین‌المللی سخن از «ترمیم» می‌شود، می‌توان گفت که ترمیم، اهداف گسترده‌تری، شامل شناسایی بزه‌دیدگان و اصلاح خسارت‌های ایجادشده به وسیله جرم (فرا‌تر از خسارت‌های مادی) را دنبال می‌کند که پرداخت غرامت می‌تواند یک بخش از آن را ایفاء کند (McLaughlin & Muncie, 2013: 376).

«اعلامیه ۱۹۸۵ برای بیان حق جبران از دو واژه «Redress» و «Remedy» (در معنایی مشترک، به ترتیب برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت) بهره برده، اصول و رهنمودهای ۲۰۰۵ در کنار واژه دوم، اصطلاح «Reparation» را نیز به کار می‌برد. این اصطلاح، به دسته گسترده‌ای از تدبیرهایی اشاره دارد که در پاسخ به نقض‌های واقعی یا تهدیدکننده اتخاذ می‌شود و ماهیت کمک یا حمایت و نیز رویه یا آیین دادرسی آن را در چارچوب دادرسی دادگرانه قرار می‌دهد» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۴۰).

علی‌رغم تمامی تفسیرها برای تمایز دو مفهوم جبران و ترمیم از یکدیگر، با فرض در نظر گرفتن این دو مفهوم در کنار یکدیگر، می‌توان برای جبران و ترمیم از بزه‌دیده دو جنبه مهم را مطرح کرد: جنبه شکلی یا آیین دادرسی‌مدار و جنبه ماهوی. «جنبه آیین دادرسی‌مدار مربوط به ابزارهای قانونی است که مقامات مستقل و بی‌طرف، ادعای نقض‌های حقوق بشری را [به وسیله آن] مورد خطاب قرار می‌دهند. از طرف دیگر، جنبه ماهوی به ترمیم کافی، مناسب و مؤثر برای آسیب تحمیل شده برمی‌گردد» (Contreras-Garduno, 2012: 43). با این تفاسیر، آنچه که حائز اهمیت به نظر می‌رسد

1. Declaration of Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian law 2005. (زین‌پس، اصول ۲۰۰۵).

همانا این است که جایگاه بزه‌دیدگان علی‌رغم تمامی فراز و نشیب‌ها، شناسایی شده و از بُعد شکلی و ماهوی در دادرسی‌های کیفری مورد توجه قرار گرفته است. بدین ترتیب بزه‌دیدگان از شرایط مناسب‌تری برخوردار شده و به این اعتقاد خواهند رسید که پیرو بزه‌دیده واقع شدن تنها و منزوی نیستند و حمایت جامعه از خود را دارا می‌باشند (بسیونی، ۱۳۹۰: ۱۶۱). اگرچه به اعتقاد برخی، از جمله کمیسیون حقوق بین‌المللی سازمان ملل متحد، مسئله جبران خسارت فاقد وجه جنایی بوده و موضوعی مربوط به حوزه حقوق مدنی است تا جایی که به اعتقاد این کمیسیون، رسیدگی به موارد جبران خسارت می‌بایست به دادگاه‌های ملی و بعضاً توافق‌های بین‌المللی واگذار شود (رضوی‌فرد، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

علی‌رغم تمامی انتقادهایی که به دیوان جنایی بین‌المللی به دلیل پرداختن به مسائل ترمیم و جبران آسیب از بزه‌دیده به مثابه موضوعی غیر کیفری وارد آمده است اما به واسطه رویکرد دیوان نسبت به مسائل قربانیان جرم، «می‌توان گفت که دیوان جنایی بین‌المللی ضمن برخورداری از ساختار دادگری جنایی، واجد جنبه‌هایی از دادگری ترمیمی نیز می‌باشد و پرتوهایی از نفوذ دادگری ترمیمی را در مقررات آن می‌توان ملاحظه کرد» (غلامی و رستمی‌غازانی، ۱۳۹۲: ۳۳).

در دادگری ترمیمی، مسئله جبران از بزه‌دیده نقشی مهم و ضروری ایفا می‌کند، اما نباید فراموش کرد که تعامل بزه‌کار و بزه‌دیده و برآورده ساختن جبران و ترمیم از رهگذر تعامل این دو، از جمله اهدافی است که دادگری ترمیمی به دنبال آن می‌باشد تا از طریق برقراری این تعامل، بزه‌کار شخصاً در صدد جبران و ترمیم آسیب‌ها و خسارات وارده بر بزه‌دیده برآید. با وجود این، در صورتی که امکان جبران خسارت به واسطه در دسترس نبودن بزه‌کار یا عدم استطاعت مالی وی نمی‌تواند متصور باشد، ممکن است بزه‌دیده ناکام از جبران خسارت باقی مانده و این موضوع موجب می‌گردد که چه‌بسا از روند دادگری نیز رضایت لازم را نداشته باشد (قادری و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۲).

همچنین «در بسیاری از موارد، ادعای بزه‌کار مبنی بر عدم توان پرداخت خسارت موفق بوده و اینکه دیوان جنایی بین‌المللی بخواهد نسبت به شناسایی و توقیف اموال آن‌ها اقدام کند، چه‌بسا انتظاری زیاد و امری غیر واقعی باشد» (شبث، ۱۳۹۴: ۱۹۴). با

این حال، «در مواردی چون رسیدگی به وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو، شعبه مقدماتی یک در پرونده توماس لوبانگو دایلو، به تهیه درخواست‌هایی مبنی بر همکاری دولت‌های عضو اساسنامه در معرفی، ردیابی، مسدود کردن حساب‌ها، ضبط و توقیف اموال توماس لوبانگو دایلو حکم نمود. این تصمیم، گویای اتخاذ تدابیر حمایتی از سوی شعبه مقدماتی به منظور تضمین حکم جبران خسارات در آینده است» (لسانی و دیرباز، ۱۳۹۰: ۱۸۶). علاوه بر تضمین جبران خسارات در آینده، تصمیم شعبه مقدماتی با هدف اجرای حکم از طریق شخص بزهکار و اموال او بوده است.

از آنجا که طبق اساسنامه و صراحت مواد ۷۵^۱ و ۷۹^۲ آن، جبران و ترمیم از بزه‌دیده از جمله اهداف والای دیوان می‌باشد، لذا ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های دادگری ترمیمی و نه پایبندی به صورت مطلق، به نظر می‌رسد که تمرکز اصلی بر تحقق جبران و ترمیم از بزه‌دیده از طرق مختلف از جمله شخص بزهکار باشد. اما چنانچه جبران از بزه‌دیده از مجرای شخص بزهکار میسر نباشد، راهکار دیگر پیش‌بینی شده، ماده ۷۹ اساسنامه و حفظ منافع بزه‌دیدگان از محل «صندوق امانی بزه‌دیدگان»^۳ است.

علاوه بر این‌ها، در عین حال باید دید مسئولیت دولت‌ها برای جبران خسارت از بزه‌دیده در اساسنامه از چه جایگاهی برخوردار است؟ «در حقوق بین‌المللی، واژه جبران خسارت عبارت از تدابیری است که یک دولت پس از نقض حقوق بین‌الملل

۱. ماده ۷۵ اساسنامه تحت عنوان ترمیم از بزه‌دیدگان مقرر می‌دارد: «دیوان در مورد ترمیم بزه‌دیدگان یا در ارتباط با آن‌ها، قواعدی را که شامل جبران خسارت، پرداخت غرامت و بازتوانی است، پایه‌گذاری می‌کند. بر این اساس، دیوان بنا به تصمیم خود حسب درخواست یا تشخیص خود در اوضاع و احوال استثنایی، حوزه و گستره هر گونه خسارت، فقدان و جراحی را برای بزه‌دیدگان یا در ارتباط با او تعیین کرده و باید بیان کند که بر اساس چه اصلی اقدام می‌کند».

۲. ماده ۷۹ اساسنامه تحت عنوان صندوق امانی مقرر می‌دارد: «۱- به منظور حفظ منافع بزه‌دیدگان جنایات داخل در صلاحیت دیوان و همچنین خانواده‌های این بزه‌دیدگان، یک صندوق امانی به موجب تصمیم مجمع عمومی دولت‌های عضو باید ایجاد شود. ۲- دیوان می‌تواند دستور دهد که وجوه یا سایر اموال جمع‌آوری شده از جریمه‌ها یا ضبط آن‌ها به صندوق امانی منتقل شود. ۳- صندوق امانی باید طبق ترتیب‌هایی که توسط مجمع عمومی دولت‌های عضو تعیین گردیده، اداره شود».

3. Trust Fund for Victims.

۴. در مطلب مربوطه به پرداخت غرامت به عنوان یکی از گونه‌های جبران و ترمیم به تفصیل بدان پرداخته خواهد شد.

اتخاذ می‌نماید. به طور معمول، در موارد نقض حقوق بین‌الملل بشری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، هم فرد مرتکب نقض و هم دولت ملتزم به جبران خسارت خواهند بود؛ چه اسناد حقوق بشری و حقوق بشردوستانه^۱ دولت را متعهد می‌نمایند از نقض این قواعد از سوی افراد و اشخاص جلوگیری نموده و در صورت نقض، علاوه بر مرتکب، دولت نیز مسئولیت خواهد داشت» (داعی، ۱۳۹۰: ۱۱۸). اما از طرف دیگر، طبق ماده ۱۳ و ۲۵ اساسنامه، صلاحیت دیوان محدود به رسیدگی به اتهام وارده به اشخاص حقیقی است. دیوان از صلاحیت لازم برای مداخله در مسائل دولت‌ها برخوردار نمی‌باشد و عدم امکان محکوم ساختن دولت‌ها به پرداخت خسارت از جانب دیوان جنایی بین‌المللی از جمله مهم‌ترین ضعف‌های این نهاد بین‌المللی محسوب می‌شود که از نظر دادگری ترمیمی نیز مغایر با حق‌های بزه‌دیدگان در مسئله حق جبران خسارت‌های وارد بر آنهاست. البته باید در نظر داشت که «بند ۶ ماده ۷۵ تا حدی این ایراد را مرتفع کرده است. به موجب این بند، موارد مذکور در ماده ۷۵ نباید به گونه‌ای تفسیر شود که به حق‌های بزه‌دیدگان که در حقوق داخلی یا بین‌المللی مقرر شد، لطمه‌ای وارد سازد. از این رو اگر در حقوق داخلی امکان مسئولیت برای جبران چنین خسارت‌هایی پیش‌بینی شده باشد، بزه‌دیده می‌تواند از طریق سازوکارهای داخلی در صدد جبران خسارت خود برآید» (غلامی و رستمی‌غازانی، ۱۳۹۰: ۵۸). بنابراین پذیرش مسئولیت دولت در جبران خسارت به واسطه جنایات ارتکاب‌یافته داخل در صلاحیت دیوان تنها در فرضی امکان‌پذیر است که در حقوق داخلی کشور مسئول ظرفیت قانونی لازم برای الزام آن به جبران خسارت وجود داشته باشد که مسئله‌ای فارغ از صلاحیت دیوان برای شناسایی مسئولیت دولت‌ها و رسیدگی بدان توسط این نهاد بین‌المللی می‌باشد.

۱. از جمله این اسناد می‌توان به کنوانسیون ژنو درباره رفتار با اسیران جنگی مصوب ۱۹۴۹، کنوانسیون ژنو درباره حمایت از غیر نظامیان در زمان جنگ مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل یکم الحاقی به کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۷۷ نام برد:

The Convention Relative to the Treatment of Prisoners of War 1949 (Geneva Convention III); The Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War 1949 (Geneva Convention IV); The protocol of Protection of Victims of International Armed Conflicts 1977.

همچنین در خصوص مسئولیت دولت‌ها و تفکیک آن از مسئولیت اشخاص حقیقی در پی جنایت‌های ارتكابی در سطح بین‌المللی، از منظر حقوق بین‌الملل آنچه که می‌تواند برقرارکننده حاکمیت قانون باشد، پذیرش مسئولیت کیفری فردی در عرصه بین‌المللی است؛ مسئله‌ای که مداخله قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی را جنبه مثبت بخشیده و از بی‌کیفر ماندن مرتکبان جلوگیری می‌کند. بدین منظور استدلال دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی پیش از تشکیل دیوان جنایی بین‌المللی که به مسئولیت دولت‌ها رسیدگی می‌کردند^۱ و مسئول دانستن اشخاص حقیقی در صلاحیت آن‌ها نبود و خلأ آن را به شدت احساس می‌کردند، بدین سو رفت که مرتکبان حقیقی مرتبط را جزء تفکیک‌ناپذیر دولت‌ها دانسته و ارتکاب جنایت توسط دولت را جز با شناسایی مسئولیت شخص حقیقی قابل تصور ندانند (نژندی‌منش، ۱۳۸۹: ۱۶۲). با این حال، دستیابی به این مهم متصور نیست مگر از طریق نظامی یکپارچه و منطقی که در آن مجموعه‌ای از اهداف مناسب، سازگار و هماهنگ تأمین گردد. این اهداف اگرچه در بسیاری موارد همان اهداف مطرح در حقوق کیفری ملی است، اما در بُعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی و وجوه بین‌المللی حقوق کیفری داخلی فراتر است (اردبیلی و وحید دستجردی، ۱۳۹۷: ۶۶).

در طرح تدوین شده از جانب کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد که در سال ۲۰۰۱، نسخه بازنگری شده آن منتشر گردید، در ۵۹ ماده به مسئولیت دولت‌ها به صورت خاص من جمله تعیین مفهوم تخلف، تعریف دولت و اشخاصی که تخلف آن‌ها منتسب به دولت است، تعیین مصادیق اقدامات دولت‌ها از حیث پاسخ‌گویی به تخلف صورت گرفته و موارد مهم دیگری در این حوزه پرداخته شده است.^۲ اما در تطبیق موضوع با صلاحیت دیوان باید اذعان داشت که صلاحیت این نهاد تنها محدود به مسئولیت

۱. برای مثال، نظر دادگاه نورنبرگ در ۱۹۴۷ در مورد مسئولیت اشخاص حقیقی که به نام دولت یا شخص حقوقی، عملی را مرتکب می‌شوند، بر این بود که «این اشخاص حقیقی هستند که مرتکب جرم می‌شوند و نه هیئت‌های مجازی و مجازات همین اشخاص حقیقی، ضمانت اجرای حقوق بین‌المللی است». دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در مورخ ۲۶ فوریه ۲۰۰۷ در قضیه بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و در اجرای کنوانسیون نسل‌زدایی، همین نظر را تأیید نمود (ICJ Judgment in Case Concerning Genocide Convention, 26 Feb 2007: para. 172).

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها» ر.ک: حلمی، ۱۳۹۵.

کیفری اشخاص حقیقی است؛ فارغ از اینکه رفتار او قابل انتساب به دولت باشد یا خیر که در فرض قابل انتساب بودن نیز دیوان فاقد صلاحیت برای رسیدگی به مسئولیت دولت مربوطه است. توضیح آنکه در مواردی همچون رسیدگی به وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو که متهم پرونده، توماس لوبانگو دایلو، شخص حقیقی غیر دولتی بود، فرض بررسی مسئولیت دولت به طور کامل منتفی است. بنابراین در صورت احتمال وجود مسئولیت دولت در قضیه‌ای خاص، موضوع قابل بررسی با مصوبه کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد و در نظر گرفتن ضوابط حقوق بین‌الملل می‌باشد.

۲-۱. گونه‌های جبران و ترمیم برای بزه‌دیده در دیوان جنایی بین‌المللی

و چالش‌های مترتب بر آن

ماده ۷۵ اساسنامه رم تنها به سه شیوه برای جبران و ترمیم از بزه‌دیده تصریح کرده است که عبارت‌اند از: جبران خسارت،^۱ پرداخت غرامت^۲ و بازتوانی^۳ (اعاده حیثیت). «بر خلاف دادگاه‌های بین‌المللی ویژه یوگسلاوی سابق و رواندا، دیوان کیفری بین‌المللی این اختیار را دارد که با استرداد اموال، پرداخت غرامت و اعاده وضع به حال سابق، براساس بند ۴ ماده ۷۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، خسارت‌های وارده بر بزه‌دیدگان را جبران کند. در گذشته، تعداد زیادی از دیوان‌های داوری به دعاوی مدنی رسیدگی می‌کردند و این نخستین بار بود که یک نهاد قضایی بین‌المللی که مسئول اجرای عدالت کیفری است، با وظیفه دوگانه کیفری مدنی مواجه می‌شود. از این رو، دیوان از لحاظ حقوقی ملزم به ایجاد اصولی درباره جبران خسارت است» (سایانی، ۱۳۸۷: ۱۵۸-۱۵۹).

«مقررات پیش‌بینی شده از سوی دیوان، گویای به رسمیت شناختن گونه‌های متفاوت آسیب‌های برآمده از جرم و کوشش در مسیر ترمیم این آسیب‌ها به شیوه‌های مناسب است. شناسایی حقوق برای بزه‌دیدگانی که شدیدترین و عمیق‌ترین آسیب‌ها را با تجربه جنایت‌های بین‌المللی چشیده‌اند، اهمیت ویژه‌ای دارد» (لسانی و دیرباز، ۱۳۹۰: ۱۷۴).

1. Restitution.
2. Compensation.
3. Rehabilitation.

در اینجا اقسام گونه‌های جبران و ترمیم که در ماده ۷۵ اساسنامه عنوان گردیده و به چالش‌های پیش روی اجرای آن‌ها پرداخته می‌شود. اما واقع امر این است که گونه‌های جبران و ترمیم از بزه‌دیده، محدود به این سه گونه نیست و «از دیوان به منظور پشتیبانی از قواعد و توسعه دادن اصول ترمیم، انتظار می‌رود که استانداردهای موجود را [در خصوص] این موضوع ترسیم کند» (González, 2006: 29)؛ همچنان که اصول ۲۰۰۵ ضمن برشمردن انواع خسارت‌هایی که جبران آن می‌تواند نسبت به بزه‌دیده قابل تصور باشد، از گونه‌های دیگری برای ترمیم در بندهای ۱۸ و ۱۹ ذیل اصل ۸، زیر عنوان

۱. بند ۱۸ مقرر می‌دارد: رضایتمندی (بزه‌دیده) باید به تناسب، هر یک از مورد‌های زیر یا همه آن‌ها را در بر گیرد: الف) تدبیرهای کارآمدی که به توقف ادامه نقض توجه کند. ب) واریسی واقعیت‌ها و افشاء کامل و همگانی حقیقت به اندازه‌ای که این افشاء، زیان یا تهدید بیشتری به امنیت و منافع بزه‌دیده، بستگان او، گواهان او، یا کسانی که در جریان کمک به بزه‌دیده یا در صدد پیشگیری از رخداد نقض‌های دیگر بوده‌اند، وارد نکند. پ) تحقیق درباره مکان و سرنوشت ناپدیدشدگان، شناسایی هویت کودکان ربوده‌شده و جسد کسانی که کشته شده‌اند و کمک به بازسازی و درمان، تشخیص هویت و دفن جسد‌ها بر پایه خواست صریح یا ضمنی بزه‌دیدگان، یا (بر پایه) آیین‌های فرهنگی خانواده‌ها و جماعت‌های بزه‌دیده. ت) بیانیه‌ای رسمی یا تصمیمی قضایی به منظور ترمیم کرامت یا اعاده حیثیت و ترمیم حق‌های بزه‌دیده و کسانی که از نزدیک با بزه‌دیده در ارتباط‌اند. ث) پوزش‌خواهی همگانی از جمله اذعان به واقعیت‌ها و پذیرش مسئولیت. ج) ضمانت اجرای قضایی و اداری علیه کسانی که در برابر نقض‌ها مسئول‌اند. چ) نکوداشت و بزرگداشت برای بزه‌دیدگان. ح) شرح دقیق و کامل نقض‌های رخ داده در (دوره‌های) آموزش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، و در مواد درسی آموزشی در همه سطح‌ها.

۲. بند ۱۹ مقرر می‌دارد: «تضمین‌های تکرار نکردن (نقض‌ها) باید به مناسبت، هر یک از تدبیرهای زیر یا همه آن‌ها را در بر گیرد که در پیشگیری نیز سهم دارد: الف) تضمین کنترل کارآمد غیر نظامی بر ارتش و نیروهای امنیتی. ب) تضمین این (مسئله) که ملاک‌های بین‌المللی فرایند قانونی، دادگرنانه و بی‌طرفانه در همه رسیدگی‌های غیر نظامی و نظامی رعایت شوند. پ) تقویت استقلال دستگاه قضایی. ت) حفاظت از متخصصان حقوقی، پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی، رسانه‌ها و دیگر متخصصان مربوط، و مدافعان حقوق بشر. ث) ارائه آموزش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی به همه بخش‌های جامعه و آموزش به مجریان قانون و نیز نیروهای ارتش و امنیتی، بر پایه یک اولویت و بنیانی پیوسته. ج) رواج دادن رعایت مجموعه قواعد رفتاری و هنجارهای اخلاقی، به ویژه ملاک‌های بین‌المللی، از سوی کارکنان دولت از جمله مجریان قانون، دست‌اندرکاران اصلاح و تربیت، رسانه‌ها، کارکنان پزشکی، روان‌شناسی، خدمات اجتماعی و ارتش، و نیز بنگاه‌های اقتصادی. چ) رواج دادن سازوکارهایی برای پیشگیری از اختلاف‌های اجتماعی و حل و فصل آن و نظارت بر آن. ح) بازبینی و بازنگری در قانون‌هایی که نقض‌های فاحش حقوق بین‌المللی حقوق بشر و نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی را موجب شده یا روا می‌دارند.

«رضایتمندی»^۱ و «تضمین‌های تکرار نکردن نقض‌ها»^۲ یاد کرده است.

۱-۲-۱. حق جبران به مثابه «جبران خسارت» از بزه‌دیده

طبق ماده ۷۵ اساسنامه، اولین شکل ترمیم از بزه‌دیده به عنوان «جبران خسارت» مطرح گردیده است. در این سند تعریفی از مصادیق ترمیم ارائه نشده است. از این رو، اعلامیه ۱۹۸۵ و اصول ۲۰۰۵ می‌تواند برای دستیابی به این مهم کارآمد و مؤثر باشد. در اعلامیه ۱۹۸۵ در رابطه با «Restitution» و معنای آن توضیحاتی ارائه شده است:

«بر پایه پاراگراف هشتم اعلامیه، بزه‌کاران یا اشخاص ثالثی که در برابر رفتار آنان پاسخ‌گویند، باید به گونه منصفانه‌ای از بزه‌دیدگان و خانواده‌ها یا وابستگان آنان جبران خسارت کنند. مصادق‌های این جبران خسارت عبارت است از: برگرداندن مال یا پرداخت پول برای آسیب یا زیان واردشده به بزه‌دیده، پرداخت هزینه‌هایی که بزه‌دیده به دنبال بزه‌دیدگی متحمل شده و خسارت‌رسانی و ترمیم حق‌های او. بر این پایه می‌توان جبران خسارت‌هایی چون هزینه‌های پزشکی، جبران اموال سرقت‌شده یا تعمیر و ترمیم فوری اموال تخریب‌شده را مجاز شمرد. افزون بر این، جبران درد و رنج‌های عاطفی را نیز می‌توان پذیرفت» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۲۲۲).

بند ۱۶ اصل ۷ اصول ۲۰۰۵ نیز مقرر می‌دارد:

«جبران خسارت، هر زمان که ممکن باشد، باید بزه‌دیده را به وضعیت نخستین پیش از رخداد نقض‌های فاحش حقوق بین‌المللی حقوق بشر یا نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی بازگرداند. جبران خسارت، به تناسب، عبارت است از: ترمیم [حق] آزادی، بهره‌مندی از حقوق بشر، هویت، زندگی خانوادگی و شهروندی، بازگرداندن فرد به محل اقامت خود، بازگرداندن شغل و بازگرداندن اموال».

اگرچه بزه‌دیده‌شناسانی چون پروفیسور وِمرز، استاد دانشگاه مونترال کانادا، در مقاله خود «Restitution» را بیشتر به جبران خسارت مالی معطوف می‌دارد، اما آن را محدود به این شکل از جبران نمی‌کند (Wemmers, 2006: 18-19). واژه «Restitution» معنای «اعاده وضع» نیز ترجمه شده است. در اصول ۲۰۰۵، «Restitution» که در

1. Satisfaction.

2. Guarantee of Non-repetition.

ماهیت به مثابه جبران خسارت واقعی انگاشته می‌شود، هر موردی است که بزه‌دیده را به وضعیت پیش از رخداد نقض بازگرداند و بنابراین، اعاده وضع نتیجه آن محسوب می‌شود (بسیونی، ۱۳۹۳: ۱۵۱). بنابراین «اعاده وضع» می‌تواند نتیجه «Restitution» باشد. اما به نظر می‌رسد که «جبران خسارت» با توجه به گستردگی آن در حوزه بزه‌دیدگان و نیز اصول ۱۹۸۵ معادل بهتری باشد.

جبران خسارت می‌تواند به دو شکل جبران خسارت مالی و خدمت فردی خود را نشان دهد. جبران خسارت مالی همانا پرداخت پول به وسیله مجرم به بزه‌دیده است که رایج‌ترین شکل جبران خسارت مالی می‌باشد و احتمالاً از آن به گسترده‌ترین شکل ممکن استفاده می‌شود. انجام خدمت فردی به وسیله بزهکار هم بدین معناست که بزهکار خدمتی را برای بزه‌دیده واقعی انجام دهد، مانند اینکه شخصاً خسارت وارد کرده به اموال شخصی بزه‌دیده را از رهگذر کار یا انجام دیگر خدمات معین ترمیم کند که این نوع از خدمت مستلزم میانجیگری شخص ثالث و جلب رضایت بزه‌دیده است (دفتر کنترل جرم و مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد، ۱۳۸۴: ۱۰۲-۱۰۳). بنابراین وقتی صحبت از جبران خسارت می‌شود، تنها هدف جبران خسارت مالی نیست بلکه فراهم ساختن شرایطی است که بزه‌دیده بتواند پذیرش مسئولیت از جانب بزهکار و تلاش او در جهت ترمیم آسیب‌ها ولو به گونه‌ای غیر مالی را درک کند.

«هدف مطلوب جبران خسارت، بالا بردن حس پاسخ‌گویی نسبت به بزه‌دیده است. جبران خسارت ممکن است یک تدبیر تنبیهی و نیز یک راه چاره مالی مؤثر باشد. اگر از جبران خسارت به منزله یک تدبیر تنبیهی در کنار دیگر ضمانت‌اجراهای کیفری بهره‌گیری شود، باید از منافع مال بزهکار (به شکل پول و خدمات) برداشت شود و نیز باید بخشی از حکم دیوان باشد که با تعیین تکلیف پرونده پیوند می‌خورد. به همین دلیل، پرداخت پول و فراهم کردن خدمات هر دو، از گونه‌های جبران خسارت به شمار می‌روند» (فلاح، ۱۳۸۷: ۱۰۳-۱۰۴).

مطلب حائز اهمیت همانا این خواهد بود که جبران خسارت مندرج در ماده ۷۵ اساسنامه متعاقب صدور حکم محکومیت متهم و به درخواست ذی‌نفع یا حسب صلاح‌دید دادگاه صادر می‌شود که اجرای آن می‌بایست توسط شخص بزهکار انجام

پذیرد. این موضوع سبب می‌گردد مسئله جبران خسارت از بزه‌دیده با چالش‌هایی مواجه شود؛ از جمله اینکه بزهکار نسبت به اجرای حکم اقدام نکرده یا اینکه امکان اجرای حکم و جبران را نداشته باشد. همچنین در مواردی که دسترسی به بزهکار امکان‌پذیر نمی‌گردد، از آنجا که دیوان بدون حضور متهم وارد مرحله محاکمه نمی‌شود تا مجرمیت احراز شود، لذا جبران خسارت بدون پاسخ باقی می‌ماند.

در فرض عدم دسترسی به بزهکار نیز اعم از اینکه بزهکار متواری باشد و بر اساس ضوابط دیوان، امکان دسترسی به او فراهم نشده باشد، جبران خسارت از بزه‌دیده از طریق بزهکار را مشکل می‌کند. همچنین «اگر محرز شود زیان‌ها و صدمه‌های مالی و جسمی و روانی، محصول ارتکاب جنایتی بین‌المللی هستند، حتی اگر متهمان تبرئه شده باشند، باید جبران شوند؛ زیرا اولاً ممکن است دلایل اتهام، کافی نبوده یا متهمان واقعی، گرفتار نشده باشند، ثانیاً اصول جبران خسارت ناشی از جرم که موضوع مسئولیت مدنی است، در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی به دولت‌ها و نه به افراد منتسب می‌شود و این، دولت‌ها هستند که باید ضرر و زیان را جبران کنند» (سایبانی، ۱۳۸۸: ۱۶۶). البته نباید فراموش کرد که در حقوق کیفری، با مسئولیت کیفری که امری شخصی است، مواجه هستیم و همان‌طور که گفته شد، طبق بند ۱ ماده ۲۵ اساسنامه، تنها رسیدگی به جرایم ارتكابی توسط اشخاص حقیقی در صلاحیت دیوان می‌باشد.

علاوه بر این موارد، اینکه کشور مورد درخواست جهت تحویل متهم همکاری لازم را به عمل نیاورد، از آنجا که صلاحیت دیوان نسبت به محاکم ملی یک صلاحیت تکمیلی است و وفق ماده ۸۶ اساسنامه دولت‌های عضو در امر تعقیب و تحقیق جرایم داخل در صلاحیت دیوان نهایت همکاری را به عمل می‌آورند. بنابراین چه‌بسا که دولت عضو به دلایل مختلف ملی و مصلحتی از اجابت درخواست دیوان برای تحویل متهم سر باز زده و همکاری لازم را به عمل نیاورد و در این خصوص نیز ضمانت اجرایی از جانب دیوان نسبت به دولت عضو مذکور متصور نیست؛ چرا که تعامل دولت‌های عضو با دیوان جنایی بین‌المللی صرفاً بر پایه همکاری بین‌المللی بوده و با توجه به اصل استقلال سیاسی و تمامیت سرزمینی کشورهای عضو، دیوان مرجع عالی‌تری نسبت به دولت‌های عضو محسوب نمی‌گردد.

بنابراین مشاهده می‌کنیم که اگرچه جبران خسارت در شکل‌های گوناگون خود به‌خصوص جبران خسارت مالی توسط بزهکار پیش‌بینی گردیده، اما اجرای آن از گذر بزهکار با مانع‌های جدی‌ای می‌تواند روبه‌رو باشد؛ به گونه‌ای که جبران خسارت از بزه‌دیده بسیار دشوار یا حتی غیر ممکن باشد. بر این اساس است که شکل دیگری از جبران خسارت توسط شخص ثالث به عنوان «گرامت» توسط دولت‌ها، صندوق‌های مالی یا صندوق امانی مقرر در اساسنامه در نظر گرفته شده است.

۲-۲-۱. حق جبران به مثابه «پرداخت گرامت» به بزه‌دیده

اگر حمایت از بزه‌دیدگان از جنبه مالی به دو وجه حمایت مادی و غیر مادی تقسیم شود، پرداخت گرامت به بزه‌دیده، گونه‌ای حمایت مادی از بزه‌دیده است که به منظور رفع آسیب‌های جسمانی یا روانی بزه‌دیده یا زیان‌های وارده به اموال و دارایی‌های آن‌ها پیش‌بینی شده است. اما آنچه که ایجاد مناقشه می‌کند، امکان تحقق جبران آسیب‌های معنوی از بزه‌دیده از طریق پرداخت گرامت است.

باید در نظر داشت که آسیب روانی، مفهومی مجزا از آسیب معنوی (حیثیتی) است. امروزه توجه به مسئله آسیب‌های روانی و عاطفی بر بزه‌دیدگان به‌خصوص بزه‌دیدگان جنایات بین‌المللی که نوع و نحوه ارتکاب، شدت و میزان این دسته از آسیب‌ها را به مراتب بالاتر می‌برد، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که تبدیل به یکی از مسئله‌های حقوقی بحث‌برانگیز شده است. از یک‌سو چون خسارت معنوی قابل ارزیابی نیست، پس امکان جبران آن از طریق مادی و اعاده بزه‌دیده به وضع سابق امکان‌پذیر نخواهد بود. از سوی دیگر، می‌توان قائل به امکان جبران مالی این دسته از خسارت‌ها به طور مطلق یا در پاره‌ای از موارد آن شد. اما به رغم این دیدگاه‌ها، به نظر می‌رسد که دادگری و انصاف و منطبق حقوقی ایجاب می‌کنند که در وهله اول عامل ورود خسارت، خود را در برابر آسیب‌دیده مسئول بداند. ولی باید توجه داشت که نظر به تفاوت خصوصیات انسان‌ها از نظر رفتاری، شخصیتی، احساسات و شأن و منزلت، خسارت‌زدایی معنوی نمی‌تواند معیار مشخصی برای ارزیابی در موارد نقض‌های حقوق بشری داشته باشد (بهبودیان، ۱۳۹۴: ۷۵).

با این همه، با در نظر گرفتن این مطلب که آسیب‌های وارده بر بزه‌دیده به صورت جسمانی، روانی یا معنوی یا خسارت وارده به دارایی آن‌ها از منظر دیوان جنایی بین‌المللی و اصول ۲۰۰۵ قابل جبران می‌باشد و نیز این مسئله که پرداخت غرامت ممکن است در مواردی ترمیم به معنای واقعی را نتواند تحقق بخشد، با این حال همچنان به عنوان یکی از پرکاربردترین روش‌های جبران برای بزه‌دیده مطرح و محل توجه است؛ زیرا اگرچه ممکن است ناتوان از ترمیم واقعی بزه‌دیده باشد، اما به عنوان یک روش جبران، قادر است بخشی از آسیب‌ها را التیام بخشد که این مهم از طریق شخصی که مسئول آسیب وارده شناخته می‌شود (بزه‌کار) یا به عنوان تکلیفی برای دولت می‌بایست صورت پذیرد.

ماده ۷۹ اساسنامه، پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان را از طریق «صندوق امانی بزه‌دیدگان»^۱ پیش‌بینی کرده است؛ زیرا همان‌طور که پیشتر گفته شد، دیوان از صلاحیت لازم برای الزام کشورهای عضو به اجرا و پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان آن‌گونه که در اعلامیه ۱۹۸۵ در داخل مرزهای یک کشور در نظر گرفته شده، برخوردار نیست.

«دیوان، افزون بر جبران خسارت قربانیان از رهگذر محکوم، راهکار دیگری را نیز پیش‌بینی نموده است. به موجب بند ۳ ماده ۷۹ اساسنامه، یک صندوق امانی به نفع قربانیان مشمول صلاحیت دیوان، با تصمیم مجمع دولت‌های عضو ایجاد، و هماهنگ با ضوابط تعیین‌شده، از سوی آنان اداره خواهد شد. دیوان می‌تواند پرداخت‌های مربوط به جبران را از طریق صندوق امانی عملی سازد» (لسانی و دیرباز، ۱۳۹۰: ۱۸۴). بدین‌منظور «صندوق امانی بزه‌دیدگان» محلی است که منابع مالی آن از طریق همکاری دولت‌های عضو، جریمه‌های نقدی مقررشده و وصول‌شده از بزه‌کاران و مصادره اموال و دارایی آن‌ها تأمین شده و در مواردی که در رسیدگی‌ها تصمیم بر پرداخت خسارات از محل منابع این صندوق شود، وفق ضوابط مقرر برای صندوق امانی که در قالب مقررات صندوق امانی مصوب ۲۰۰۵ سازمان ملل متحد پیش‌بینی شده است، اقدامات لازم برای پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان به عمل خواهد آمد. از این طریق، خلأ عدم امکان

1. Trust Fund for Victims.

الزام دولت‌ها به پرداخت غرامت از جانب دیوان، رفع و آسیب‌های وارده تا حدودی از طریق پرداخت‌های مالی ترمیم می‌گردد. اگرچه محدودیت منابع مالی در صندوق امانی به واسطه تأمین بودجه آن بر اساس بند ۲۱ بخش دوم مقررات ۲۰۰۵ صندوق امانی^۱ که به عنوان مثال از محل مشارکت داوطلبانه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی یا وجوه و اموال جمع‌آوری شده از حکم‌های جبران خسارت ممکن می‌گردد، به واسطه نداشتن بودجه‌ای مشخص در آن مطرح بوده و با توجه به گستره وسیع بزه‌دیدگان در جرایم داخل در صلاحیت دیوان، موضوعی چالش‌برانگیز به نظر می‌رسد.

حسب آمار اعلام شده از دیوان، مبلغ هفت میلیون و سیصد هزار یورو از جانب ۲۴ کشور از سال ۲۰۰۴ تا آوریل ۲۰۱۱ به صندوق امانی واصل گردیده که از این مبلغ، چهار میلیون و پانصد هزار یورو آن به پروژه‌های مربوط به وضعیت کشورهای اوگاندا، شمالی و جمهوری دموکراتیک کنگو تا سال ۲۰۰۷ اختصاص یافته است. یک میلیون یورو از مبلغ دریافت شده به احکام آتی جبران از جانب دادگاه تخصیص داده شد (International Criminal Court, 2011: 5).

در بیانیه عفو بین‌الملل، متضمن دوازدهمین گزارش هیئت مدیره صندوق امانی در مارس ۲۰۱۵ آمده است که در پی قطعیت رأی در پرونده رسیدگی به وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو و محکومیت متهم آن، توماس لوبانگو دایلو، شعبه تجدیدنظر مقرر ساخت که اگر لوبانگو نتواند از عهده پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان این پرونده برآید، صندوق امانی می‌بایست منابع خود را ارتقا دهد تا موجبات اجرای قرار ترمیم صادره فراهم گردد و صندوق خواهد توانست متعاقباً منابع مازاد فوق را از لوبانگو مطالبه کند (Amnesty International, 2015: 2).

۱. بند ۲۱ بخش دوم مقررات ۲۰۰۵ صندوق امانی مقرر می‌دارد: منابع مالی صندوق امانی از [طرق ذیل] می‌بایست تأمین گردد: ۱- مشارکت داوطلبانه دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، اشخاص، شرکت‌ها و دیگر نهادها با معیارهای منطبق با نظر مجمع دولت‌های عضو، ۲- وجوه نقدی و دارایی‌های جمع‌آوری شده از طریق جرایم یا مصادره اموال انتقال یافته به صندوق امانی حسب دستور دیوان پیرو بند ۲ ماده ۷۹ اساسنامه، ۳- منابع جمع‌آوری شده از طریق حکم‌های جبران خسارت حسب دستور دیوان پیرو قاعده ۹۸ قواعد دادرسی و ادله، ۴- سایر منابعی که مجمع دولت‌های عضو به غیر از موارد بند ۱، تصمیم بر اختصاص آن به دیوان بگیرند.

۳-۲-۱. حق جبران به مثابه «بازتوانی (توان بخشی) و اعاده حیثیت» بزه‌دیده

آخرین مدل جبران و ترمیم مندرج در ماده ۷۵ اساسنامه، بازتوانی - اعاده حیثیت است. واژه «Rehabilitation» در نوشتگان جرم‌شناسی که بزه‌دیده‌شناسی حمایتی یکی از زیرمجموعه‌های آن محسوب می‌گردد، هم برای بزه‌کار و هم برای بزه‌دیده مورد استفاده قرار گرفته است. آنگاه که واژه «Rehabilitation» برای بزه‌دیده مورد استفاده قرار می‌گیرد، اگرچه در محتوا، مفهومی متفاوت با کارکرد آن نسبت به بزه‌کار به معنای بازتوانی و اعاده وضع به سابق ندارد، اما در رابطه با بزه‌دیده اتخاذ تدابیری را شامل می‌گردد که از طریق آن‌ها بتوان آسیب‌های عاطفی و روانی حاصل از جرم را به‌ویژه آنجا که امکان ترمیم آن‌ها از طریق مادی امکان‌پذیر نیست، جبران نمود.

(به نظر می‌رسد به مثابه بازپروری بزه‌کاران، برای پیشگیری از تکرار جرم باید به دنبال بازتوانی بزه‌دیدگان برای پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی بود. بر این اساس، بزه‌دیدگانی که پس از تحمل جرم از حالت عادی خارج شده‌اند و توان جسمی، عاطفی و روانی خود را از دست داده‌اند، باید مورد بازتوانی قرار گیرند. به تعبیر دیگر، مسائلی چون ترمیم آسیب‌های جسمی، روانی و عاطفی، موضوعاتی است که می‌توان در بزه‌دیده‌شناسی بالینی^۱ مورد بررسی قرار داد) (خدادادی و افتخاری، ۱۳۹۵: ۱۲۸).

(توان بخشی - اعاده حیثیت دربرگیرنده تدارک مراقبت پزشکی و روان‌شناسانه و نیز خدمات حقوقی و اجتماعی است. در توان بخشی - اعاده حیثیت لازم است که به نیازهای روانی بزه‌دیدگان توجه شده و به آنان این امکان داده شود تا درد و رنج خود را پشت سر گذارند. سکوت و سرکوب احساسات می‌تواند به آثار روانی بزه‌دیدگی بینجامد و به‌ویژه در موردهای شکنجه به نسل‌های آینده منتقل شوند) (بسیونی، ۱۳۹۳: ۱۵۶).

اساسنامه در بند ۱ ماده ۷۵ همانند دو مدل دیگر ترمیم، در خصوص بازتوانی نیز تعریفی ارائه نکرده است. اما در خصوص جرایم در صلاحیت دیوان و توان بخشی بزه‌دیده شاید بتوان گفت که توان بخشی هر [گونه‌ای از] ترمیم در ارتباط با آسیب‌های روانی و یا رنج‌های عاطفی را در بر می‌گیرد که به طور خاص در جنایات بین‌المللی و

۱. برای مطالعه بیشتر درباره جرم‌شناسی بالینی ر.ک: بابایی، ۱۳۹۰.

نقض‌های حقوق بشری اهمیت دارد (Rayejian Asli, 2013: 74).

اصول ۲۰۰۵ نیز تعریفی از بازتوانی بزه‌دیده همانند اساسنامه به عمل نیاورده است. در بند ۱۷ اصل ۹^۱ سند موصوف، تنها مصادیق بازتوانی شامل مراقبت‌های پزشکی و روان‌پزشکی و نیز خدمات حقوقی و اجتماعی بیان شده است.

اما نباید فراموش کرد در موارد بازتوانی در نتیجه آسیب‌های روانی و عاطفی می‌بایست بین جبران خسارت مادی برای پرداخت هزینه‌های مربوط به خدمات پزشکی، روان‌شناسانه اجتماعی و حقوقی یا پرداخت غرامت در موارد خسارت‌های برآوردپذیر از نظر مالی از یک طرف، با جبران خسارت‌های غیر مادی که قابل محاسبه از نظر اقتصادی نیستند، تفاوت گذاشت. بند ۱۷ اصل ۹ اصول ۲۰۰۵ از عبارت «از نظر اقتصادی برآوردپذیر بودن»^۲ برای جبران آسیب از طریق پرداخت غرامت استفاده کرده و «از دست دادن فرصت‌ها»^۳ (بند ب ۱۷) و «خسارت معنوی»^۴ (بند ت ۱۷) را از جمله خساراتی می‌داند که میزان آن می‌تواند از نظر مالی قابل محاسبه و امکان پرداخت غرامت برای آن متصور باشد؛ موضوعاتی که در اساسنامه دیوان به سکوت برگزار شده و سند اساسنامه را به واسطه عدم شفافیت در مسئله بازتوانی از بزه‌دیدگان با ضعف جدی مواجه ساخته است.

۲-۱-۴. سایر گونه‌های جبران و ترمیم، خلأ دیوان جنایی بین‌المللی

ابتکاری که در اصول ۲۰۰۵ برای ترمیم آسیب‌های عاطفی، روانی و حیثیتی به

۱. بند ۱۷ اصل ۹ مقرر می‌دارد: «غرامت باید به تناسب و متناسب با شدت نقض و شرایط هر پرونده، برای خسارتی که از نظر اقتصادی برآوردپذیر است و از نقض‌های حقوق بین‌المللی حقوق بشر و نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی ناشی شده است، مانند (مورد‌های زیر) تدارک دیده شود: الف) زیان بدنی یا روانی. ب) از دست دادن فرصت‌ها از جمله شغل، آموزش و پرورش و منافع اجتماعی. پ) خسارت‌های مادی و از دست دادن درآمد از جمله زیان به درآمد احتمالی. ت) خسارت معنوی. ث) هزینه‌های مورد نیاز برای کمک حقوقی یا کارشناسی، خدمات پزشکی و دارویی، خدمات روان‌شناسانه و اجتماعی. توان‌بخشی - اعاده حیثیت باید مراقبت پزشکی و روان‌شناسانه و نیز خدمات حقوقی و اجتماعی را در بر گیرد.

2. Economically Assessable.
3. Loss of Earning Potential.
4. Moral Damage.

شیوه‌ای غیر مادی مشاهده می‌شود، بیان دو گونه دیگر ترمیم شامل «رضایت‌مندی» و «تضمین تکرار نکردن نقض‌ها» است که در بندهای ۱۸ و ۱۹ اصل ۹ عنوان شده و در مقایسه با سه گونه دیگر ترمیم، اتفاقاً به ذکر جزئیات بیشتری در این دو مورد می‌پردازد و این در حالی است که اساسنامه ذکر می‌کند از این دو گونه به میان نیآورده است.

از آنجا که ترمیم آسیب‌های معنوی چه بسا از آسیب‌های مادی بااهمیت‌تر و ضروری‌تر باشد، بنابراین اقداماتی که از آن‌ها زیر عنوان ترمیم‌های نمادین یاد می‌شود، می‌توانند تأثیر قابل توجه‌تری بر رفع آسیب‌ها داشته باشند؛ به ویژه آنجا که جنایت ارتكابی به صورت گروهی ارتكاب یافته و طیف وسیعی از بزه‌دیدگان را آماج خود قرار می‌دهد، می‌توان تا حدودی مطمئن بود که این شکل از ترمیم نسبت به کلیه بزه‌دیدگان بدون تبعیض اعمال شده و در همان حال به اعاده آن‌ها به موقعیت پیشین خود در اجتماع می‌تواند کمکی مؤثر نماید. اقداماتی همچون عذرخواهی عمومی، برپایی مراسم یادبود برای از دست رفتگان جنایت ارتكابی، ساخت بنا یا تندیس یادبود از جمله مصادیق ترمیم نمادین هستند که می‌توانند تا حد زیادی در ایجاد رضایت‌مندی در بزه‌دیدگان مؤثر واقع شوند.

«عذرخواهی صمیمانه بزه‌کار و کلماتی که بیانگر ندامت او باشند، برای بزه‌دیده‌ای که از نظر روحی به آن نیاز دارد، سودمند خواهد بود. بزه‌دیدگانی که از رفتارهای خشونت‌آمیز صدمه دیده‌اند، دارای نیازهایی هستند که باید در سطح نمادین برآورده شوند. چنین تدابیری باید دربردارنده مداخله بزه‌کاران باشند تا بتوانند فرایندهای ترمیمی نسبت به بزه‌دیدگان را تسهیل و تسریع نمایند. برآورده نمودن چند بُعدی نیازهای بزه‌دیدگان، ضرورتی است نه کم‌هزینه و نه آسان، با این حال اقدامی ارزنده است» (دیرباز، ۱۳۹۱: ۱۸۰-۱۸۱).

اما چرا به رغم اصول ۲۰۰۵، در اساسنامه رم از ترمیم‌های نمادین سخنی به میان نرفته است؟ این سؤال پاسخی ندارد جز اینکه در اصول ۲۰۰۵ تکلیف به جبران و ترمیم برای بزه‌دیده وظیفه دولت بوده و «مسئولیت دولت‌ها» است، در حالی که بند ۱ ماده ۲۵ اساسنامه تنها ناظر به مسئولیت اشخاص حقیقی است. همچنین اجرای ترمیم‌های نمادین به گونه‌ای است که انجام آن‌ها توسط دولت قابل تصور و امکان‌پذیر است و در

فرضی که بتوان گفت امکان اعطای ترمیم‌های نمادین به بزه‌دیدگان از منظر مقررات و ضوابط دیوان امکان‌پذیر است، اما باید در نظر گرفت که اجرای این شکل از ترمیم با اشکالی چون عذرخواهی عمومی، برپایی مراسم یادبود برای از دست رفتگان جنایات، ساخت بنا یا تندیس یادبود، توسط اشخاص حقیقی تا حد زیادی ناممکن است.

برای مثال، در جریان جنگ جمهوری دموکراتیک کنگو، دفتر هماهنگی امور انسان‌دوستانه در کنگو، هواپیمایی تهیه نمود تا با عبور از خط شورشیان، امتحانات دبیرستانی ملی را در شهرها و روستاهای سراسر کشور برگزار کند. مشاور ارشد امور انسان‌دوستانه‌تر مناطق تحت کنترل شورشیان در کنگو می‌گوید: هزاران کودک منتظر امتحانات خود بودند. رساندن سؤال‌ها نه فقط به خاطر این کودکان، بلکه به عنوان نشانه‌ای از این امید که کنگو می‌تواند از جنگ داخلی رها شود و به عنوان یک ملت انجام وظیفه نماید، اهمیت داشت (دیرباز، ۱۳۹۱: ۱۷۷).

«چیستی و ویژگی جنایات بین‌المللی به گونه‌ای است که اشخاص حقوقی به ویژه دولت‌ها در انجامشان تواناترند، ولی اساسنامه دیوان جنایی بین‌المللی راه بزهکاری بر این اشخاص را بسته و بر پایه رویکرد سنتی، تنها اشخاص طبیعی (حقیقی) را مسئول قلمداد کرده است. برای اشخاص حقوقی در برابر انجام جنایات بین‌المللی، سه گونه از مسئولیت را می‌توان پیش‌بینی کرد: مسئولیت کیفری، مسئولیت تأمینی و مسئولیت مدنی یا ترمیمی.^۱ اساسنامه دیوان تنها درباره مسئولیت مدنی آن هم به طور پوشیده و ناروشن دست بر روی اشخاص حقوقی نهاده و به طور کلی، در پی مسئول دانستن یک شخص حقیقی است و این چالش بزرگی است بر سر راه اجرای شتابنده و همه‌گیر مقرره‌های اساسنامه دیوان جنایی بین‌المللی» (عالی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۲۷).

در موضوع بحث، استدلال‌های دیگری نیز عنوان شده است؛ از جمله اینکه الزام محکوم به اجرای ترمیم نمادین نه تنها با موازین حقوق بشری تعارض دارد، بلکه اساساً هدف از اجرای ترمیم به واسطه اجبار نمودن شخص محکوم را بی‌اثر و بی‌فایده نموده و با تحمیل ترمیم نمادین بر بزهکار، نتیجه‌چندانی برای ترمیم بزه‌دیده حاصل نخواهد

۱. در قلم نگارندگان این مطلب، مسئولیت مدنی معادل مسئولیت ترمیمی بیان شده و آنچه در اینجا ذکر گردید، ارجاع مستقیم از مطلب اصلی است.

شد. در مقابل گفته شده است، نگارش ماده ۷۵ اساسنامه و گستره مفهوم بازتوانی به گونه‌ای است که می‌توان ترمیم‌های نمادین و اعطای آن‌ها بر بزهدیده را از آن استنباط نمود. وانگهی، اگرچه ساختار دیوان سنتی و مبتنی بر رسیدگی در چارچوب دادگری جنایی است، اما گرایش این دادگاه نسبت به بزهدیدگان و جبران آسیب‌های وارده همگام با برخی نهادهای بین‌المللی حقوق بشری و نیز اصول ۲۰۰۵، مانع از محدود ساختن این دادگاه به در نظر نگرفتن ترمیم‌های نمادین است. بر این اساس می‌توان گفت که دیوان جنایی بین‌المللی نه تنها از امکان اعطای ترمیم‌های نمادین برخوردار است، بلکه باید آن را از یک رژیم محتاط در اعطای ترمیم‌ها که فقط پیرو احکام کیفری بین‌المللی است، جدا کرد. [بنابراین] باید بر این باور بود که دیوان جنایی بین‌المللی نهادی است قائل به جبران از بزهدیدگان و ایجاد رضایتمندی برای آن‌ها که [ایجاد رضایتمندی] الزاماً گونه جدیدی از ترمیم نیست که نیاز به تصریح جداگانه داشته باشد بلکه [رضایتمندی] در خود مفهوم ترمیم موجود و مستتر است (Mégret, 2016: 128-142).

با وجود این، عملکرد دیوان جنایی بین‌المللی و رویه حاکم بر آن تا به امروز به صورت تلویحی حاکی از تمایل بیشتر این نهاد بین‌المللی به پرداختن به جبران‌های مادی به جای استفاده از ترمیم‌های نمادین است که این رویکرد سبب می‌گردد تا در تحقق کامل مفهوم ترمیم نسبت به بزهدیدگان در این مرجع بین‌المللی با توجه به ویژگی‌های ذاتی مفهوم ترمیم و نزدیک بودن اشکال ترمیم نمادین با آن، تردید جدی ایجاد شده و به عنوان یک ابهام و چالش جدی مورد مناقشه باشد.

۲. تصمیمات دیوان، گواهی بر رویکرد بزهدیده‌مدار این نهاد

تا کنون حدود ۱۷ سال از زمان آغاز فعالیت دیوان جنایی بین‌المللی می‌گذرد. در طی این مدت چندین وضعیت برای شروع به تحقیقات وفق ماده ۸۳ اساسنامه به دیوان ارجاع شده است.^۱ پرونده در وضعیت کشورهای دموکراتیک کنگو و یک پرونده در بررسی جمهوری مالی در سال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ در دعوی دادستان نسبت به

۱. برای کسب آگاهی بیشتر درباره جزئیات وضعیت‌های مطرح در دیوان جنایی بین‌المللی ر.ک: <https://www.icc-cpi.int/Pages/Main.asp#>>.

متهمان این پرونده‌ها منتهی به صدور حکم شده است.

وضعیت‌های ارجاعی در مورد کشورهای اوگاندا، کنیا، مالی، دارفور سودان، ساحل عاج، لیبی، گرجستان و بوروندی^۱ و دو وضعیت از جمهوری آفریقای مرکزی کماکان در مرحله تحقیقات بوده و هنوز وارد مرحله محاکمه نشده است؛^۲ چرا که دادستان در حال جمع‌آوری اسناد و مدارک با رعایت امنیت بزه‌دیدگان و شهود است.

وضعیت کشورهای کامبوج، گابون، گینه، نیجریه، فلسطین، اوکراین، انگلستان (به خاطر جرایم ارتكابی در عراق)، فیلیپین، بنگلادش (میانمار)، اوکراین و ونزوئلا اکنون در مرحله بررسی مقدماتی^۳ می‌باشد^۴ و دفتر دادستان^۵ در مرحله اخذ اطلاعات از مراجع مختلف از جمله کشورهای عضو و نیز شورای امنیت می‌باشد تا به اقتناع و توجیه لازم برای اعلام شروع به تحقیقات برسد.^۶

وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو اولین وضعیتی است که پرونده آن در دیوان، منتهی به صدور حکم شد. با توجه به اینکه پرونده شکایت دادستان از توماس لوبانگو دایلو اولین پرونده‌ای است که در دیوان منتهی به صدور حکم نهایی محکومیت و نیز قرار ترمیم برای بزه‌دیدگان گردیده و همچنین اجرای احکام صادره نیز در حال انجام می‌باشد، بنابراین تصمیمات متخذه و رویه در پیش گرفته در این پرونده در تصمیم‌گیری‌های دیگر دیوان من جمله در رسیدگی به وضعیت جمهوری مالی و نیز پرونده کاتانگا تأثیرگذار بوده است.

سرانجام در ۴ مارچ ۲۰۱۲، توماس لوبانگو دایلو به خاطر جنایت جنگی از نوع سربازگیری و به کارگیری کودکان زیر ۱۵ سال و استفاده از آن‌ها برای مشارکت فعال در مخاصمات (به عنوان کودکان سرباز) مجرم شناخته شد. در ۱۰ جولای ۲۰۱۲ به ۱۴

1. Burundi.

2. <<https://icc-cpi.int/pages/pe.aspx>>.

3. Preliminary Examinations.

4. <<https://icc-cpi.int/pages/situation.aspx>>.

5. Office of The Prosecutor (OTP).

۶. برای مطالعه بیشتر درباره چگونگی انتخاب «وضعیت» برای ارجاع به دیوان ر.ک: ZakerHossein, 2017

سال حبس محکوم گردید^۱ و حکم محکومیت او در اول دسامبر ۲۰۱۴ توسط شعبه تجدیدنظر مورد تأیید قرار گرفت. در ۱۹ دسامبر ۲۰۱۵، لوبانگو برای اجرای حکم حبس به کشور کنگو انتقال یافت. فرایند ترمیم‌هایی که شعبه رسیدگی کننده در ۷ آگوست ۲۰۱۲ این پرونده پیش‌بینی و مقرر نموده بود، در قالب سندی مجزا صادر و شروع شد.

با این حال، در ۳ مارچ ۲۰۱۵،^۲ شعبه تجدیدنظر نسبت به قرار ترمیم صادره در سال ۲۰۱۲^۳ از جانب شعبه محاکمه بازنگری به عمل آورده و سند جدیدی را منتشر نموده است که برخلاف سند ۲۰۱۲ که بیشتر به انعکاس دیدگاه‌های واحدها و سازمان‌های مختلف در خصوص مفاهیم گوناگونی که در مرحله اجرای ترمیم‌ها، محل تردید واقع شده بودند، این سند جدید مطالب کلیدی‌ای برای احراز هر چه بهتر آسیب‌های وارده بر بزه‌دیدگان، نحوه مشارکت آن‌ها در فرایند رسیدگی، نحوه اعمال ترمیم‌ها و کیفیت اجرای آن‌ها مقرر نموده است که می‌تواند در رویه دیوان در سایر پرونده‌ها مؤثر واقع شود.

شعبه تجدیدنظر صراحتاً اعلام مختلف نمود که رأی منتشرشده در سال ۲۰۱۲ به صورت کلی بوده و فاقد تعیین معیار و ملاک مشخص در امور مربوط به بزه‌دیدگان بوده است. بر این مبنا، این رأی پنج عنصر برای صدور قرار ترمیم برای بزه‌دیدگان عنوان کرده و در ذیل هر یک، جزئیات آن را بیان نموده است:

۱. قرارهای ترمیم می‌بایست علیه شخص محکوم باشد.
۲. قرارهای ترمیم می‌بایست شخص محکوم را از مسئولیتش [در قبال جنایت ارتكابی] مطلع ساخته و بر اساس [مسئولیت] او باشد.

1. The prosecutor v. Thomas Lubango Dyilo, No. ICC-01/04-01/06, <<https://www.icc-cpi.int/caseinformationsheets/lubangoEng.pdf>>.
2. Judgment on the appeals against the “Decision establishing the principles and procedures to be applied to reparations” of 7 August 2012 with AMENDED order for reparations (Annex A) and public annexes 1 and 2, No. ICC-01/04-01/06AA2A3, 4 March 2015, <<https://www.icc-cpi.int/CourtRecords/CR2015-02631.pdf>>.
3. Decision establishing the principles and procedures to be applied to reparations, No. ICC-01/04-01/06, 7 August 2012, <<https://www.icc-cpi.int/CourtRecords/CR2012-07872.pdf>>.

۳. در قراردادهای ترمیم می‌بایست نوع ترمیم‌ها شامل انفرادی، گروهی یا هر دوی آن، مشخص گردد.

۴. قراردادهای ترمیم می‌بایست آسیب وارده بر بزه‌دیده مستقیم و غیر مستقیم را در نتیجه جنایاتی که شخص به خاطر آن محکومیت یافته، تعریف کند؛ همان گونه که مدل‌های مناسب ترمیم را بر اساس اوضاع و احوال مشخص می‌سازد.

۵. قراردادهای ترمیم می‌بایست بزه‌دیدگانی را که شایسته بهره‌مندی از ترمیم‌ها می‌باشند، مشخص ساخته و معیارهای این شایستگی را تعیین نماید (Ibid., 2015: 13).

همچنین در خصوص وضعیت جمهوری مالی که در تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۱۶ حکم محکومیت^۱ برای ارتکاب جنایت جنگی علیه احمد الفاقی المهدی^۲ صادر گردید، قرار ترمیم در ۱۷ آگوست ۲۰۱۷ نیز برای جبران خسارت از بزه‌دیدگان صادر شد و سرانجام، در ۸ مارچ ۲۰۱۸ رأی محکومیت و قرار ترمیم مورد تأیید شعبه تجدیدنظر دیوان قرار گرفت (Ibid., 2018: 3).

پیرو صدور قرار ترمیم، ۱۳۹ درخواست از جانب کسانی که خود را بزه‌دیده جنایت ارتكابی در وضعیت مالی و پرونده دادستان علیه متهم آن می‌دانستند، واصل شد که ۱۳۷ درخواست مربوط به اشخاص حقیقی و دو درخواست از جانب شخص حقوقی بوده است. دادگاه برای اجرای قرار ترمیم برنامه زمانی مشخص نمود و به بخش‌های مختلف دیوان از جمله صندوق امانی و نمایندگان حقوقی بزه‌دیدگان و نیز واحدهای سازمان ملل مثل یونسکو اعلام نمود تا مطالب و اظهارات خود را در مورد این پرونده، قرار ترمیم و چگونگی اجرای آن بیان کنند.^۳

نمایندگان حقوقی بزه‌دیدگان در نقطه‌نظرات خود عنوان نمودند که در مورد

1. Judgment and sentence in situation of the Republic of Mali in case of the Prosecutor v. Ahmad Al Fagi Al Mahdi, No. ICC-01/12-01/15, 20 March 2018, <<https://www.icc-cpi.int/caseinformationsheets/al-mahdiEng.pdf>>.

2. Ahmad Al Faqi Al Mahdi.

3. Reparation Order in situation in the Republic of Mali in the case of the prosecutor v. Ahmad Al Fagi Al Mahdi, No. ICC-01/12-01/15, 17 August 2017, <<https://www.icc-cpi.int/courtrecords/CR2017-0517.pdf>>, p. 7.

اشخاص حقیقی، اعطای ترمیم‌های انفرادی به نظر ارجح می‌رسد، در مقابل برای اشخاص حقوقی ترمیم‌های گروهی مناسب‌تر است. آن‌ها بر پرداخت غرامت به هریک از بزهدیدگان و نیز انجام اقداماتی جهت بازتوانی و اعاده آن‌ها به شرایط پیشین زندگی‌شان تأکید نمودند. همچنین استفاده از ترمیم‌های نمادین برای جبران آسیب‌های عاطفی و روانی را پیشنهاد کرده و به تعامل هر چه بیشتر صندوق امانی با نمایندگان حقوقی بزهدیدگان تصریح داشتند (Ibid., 2017: 7-8).

در کلیه وضعیت‌هایی که در حال حاضر در مراحل مختلف جمع‌آوری اسناد و مدارک (بررسی اولیه)، تعقیب و تحقیق یا دادرسی می‌باشند، توجه به بزهدیدگان هریک از این وضعیت‌ها و شناسایی مرتکب یا مرتکبان جنایات ارتكابی به جهت فراهم شدن امکان صدور قرار جبران خسارت در هریک از اشکال آن در فرض محکومیت متهم از جمله اولویت‌های دیوان بوده است. در آخرین وضعیتی که در مرحله بررسی‌های اولیه بود، یعنی وضعیت کشور افغانستان، دادستان دیوان با صدور بیانیه‌ای خطاب به کلیه کسانی که خود را بزهدیده جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی از اول می ۲۰۰۳ می‌دانند، اعلام نمود تا ۳۱ ژانویه ۲۰۱۸ نسبت به ثبت درخواست خود اقدام کنند. از طریق بخش مشارکت و ترمیم بزهدیدگان،^۱ فرم‌هایی برای ارائه اظهارات و دیدگاه‌های بزهدیدگان تهیه گردید که به صورت برخط (آنلاین) نیز قابل تنظیم و ثبت بود. سرانجام نظرات قربانیان نیز از جانب دفتر ثبت به شعبه دوم مقدماتی ارائه شد. اما در ۱۵ آوریل ۲۰۱۹، دادرسان شعبه دوم مقدماتی، تحقیقات دیوان را به جهت احتمال عدم موفقیت دادستان در تعقیب پرونده‌ها، مغایر با «منافع عدالت»^۲ دانسته و بدین ترتیب درخواست دادستان دیوان برای پیگیری جنایات ارتكابی در کشور افغانستان، رد شد.^۳

بنابراین در طی ۱۷ سال از تأسیس دیوان جنایی بین‌المللی، می‌توان گفت که اقدامات قابل توجهی برای برخورد با جنایات ارتكابی در سطح بین‌المللی صورت

1. Victim's Participation and Reparation Section (VPRS).

2. Interests of Justice.

3. Situation in Islamic Republic of Afghanistan, No. ICC-02/17, 15 April 2019, <<https://www.icc-cpi.int/itemsDocuments/190415-afg-qa-eng.pdf>>.

پذیرفته است. اما گستردگی اتهاماتی که مطرح می‌شوند، تعداد بالای بزه‌دیدگان در هر پرونده، مشکلات مربوط به دسترسی به اسناد و مدارک و مهم‌تر از همه این‌ها، چالش‌های مرتبط با همکاری و تعامل کشورهای عضو و غیر عضو با دیوان، از جمله مسائلی است که روند رسیدگی‌ها را در دیوان با کندی مواجه ساخته؛ به گونه‌ای که با بررسی سوابق ارائه‌شده از جانب این نهاد می‌بینیم که در اکثر موارد، فاز تحقیقات در وضعیت‌های ارجاعی از چندین سال قبل آغاز شده، اما هنوز به مرحله قابل توجهی برای پاسخ‌گویی به بزه‌دیدگان نرسیده است که همین امر سبب می‌شود تا مسئله جبران از بزه‌دیدگان به واسطه طولانی شدن روند تحقیقات و رسیدگی، تا روشن شدن نتیجه پرونده بدون پاسخ مانده و همین امر آن‌ها را با مسئله بزه‌دیدگی دومین از رهگذر طولانی و فرسایشی بودن روند رسیدگی روبه‌رو نماید.

نتیجه‌گیری

در پی رخدادهای جنایی بین‌المللی در طی چند دهه اخیر، اساسنامه دیوان جنایی بین‌المللی از جمله مهم‌ترین اسنادی است که با پیش‌بینی یک نهاد کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به مواردی که در صلاحیت آن در نظر گرفته شده است، رویکرد حمایت از بزه‌دیدگان را سرلوحه خط مشی خود قرار داده است.

دیوان جنایی بین‌المللی با اتخاذ رویکرد ترمیمی در موازات دادگری کیفری، بستری را فراهم ساخته تا پس از سال‌ها نادیده انگاشته شدن حق‌های بزه‌دیدگان، اکنون آن‌ها به‌عنوان یکی از طرف‌های آسیب‌دیده جنایت فرض شده و احقاق حق‌های آن‌ها تبدیل به مسئله‌ای جدی برای جامعه بین‌المللی گردد. در این راستا، موضوع جبران و ترمیم برای بزه‌دیده به‌عنوان حقی که هم‌تراز با دادرسی دادگرانه برای متهم است، از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و به منظور تحقق آن، اساسنامه دیوان جنایی بین‌المللی سه گونه برای ترمیم آسیب را پیش‌بینی کرده است.

اگرچه مقرر نمودن این سه گونه ترمیم، دستاورد مهمی در مسیر دادگری برای بزه‌دیدگان محسوب می‌گردد، اما اجرای هر یک از اقسام جبران با چالش‌هایی روبه‌روست که هموار ساختن این مسیر را با دشواری مواجه ساخته است. این چالش‌ها

سبب می‌گردد که حل و فصل خلأها و کاستی‌هایی که در فرایند رسیدگی آشکار می‌گردد، به صورت موردی و به رویه شعب رسیدگی کننده در دیوان سپرده شود. از طرف دیگر، این سه قسم ترمیم برای احقاق حق از بزه‌دیده کافی به مقصود به نظر نرسیده و در مقایسه با سایر اسناد بین‌المللی مرتبط که حاکی از اقسام دیگری برای ترمیم‌اند، حاکی از ضرورت بازنگری در مفاد اساسنامه دیوان و قواعد مرتبط با آن می‌باشد، تا بدین ترتیب به حق جبران و ترمیم برای بزه‌دیده به معنای حقیقی آن در دیوان جنایی بین‌المللی جامه عمل پوشانده شود و اشکال دیگر ترمیم از بزه‌دیده که در این مقاله با استناد به اصول ۲۰۰۵ به آن‌ها پرداخته شد، با پیش‌بینی سازوکارهای لازم، به گونه‌ای که امکان به اجرا در آوردن آن‌ها میسر باشد، لحاظ گردیده و در متن اساسنامه ذکر شود. همچنین طرح جدی بررسی صلاحیت دیوان در رسیدگی به جنایت‌های ارتكابی توسط اشخاص حقوقی به ویژه دولت‌ها، موضوعی است که اگرچه به دلیل ملاحظات سیاسی، راهی دشوار در پی خواهد داشت، اما ضرورت اصلاح اساسنامه در این قسمت، سختی این مسیر را توجیه می‌کند. علاوه بر این‌ها، تدوین ضوابطی مدون و مشخص و تصویب آن توسط مجمع عمومی دولت‌های عضو در جهت برآورده ساختن جبران و ترمیم از بزه‌دیده از جمله اقدامات لازمی به نظر می‌رسد که می‌تواند به رفع ابهام از مفاهیم کمک نماید و از تفسیرهای متعدد در این خصوص جلوگیری کرده و از رسیدگی موردی در پرونده‌ها که نتیجه‌ای جز استدلال‌های موردی و متفاوت در هر قضیه را به همراه نخواهد داشت، ممانعت به عمل آورد. در این راستا، تداوم همکاری هر چه بیشتر دولت‌های عضو در امور ترمیم مادی و غیر مادی، با توجه به جایگاه حاکمیت دولت‌ها و مؤثر واقع شدن برخی اقدامات حمایتی از مسیر آن‌ها، نقش قابل توجهی در حل و فصل چالش‌های موجود در مسئله جبران و ترمیم بزه‌دیدگان جنایات داخل در صلاحیت دیوان جنایی بین‌المللی خواهد داشت.

کتاب‌شناسی

۱. اردبیلی، محمدعلی و فاطمه وحیددستجردی، «اهداف نظام کیفری بین‌المللی در اسناد و رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی»، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۱، ۱۳۹۷ ش.
۲. اسدی، لیلیاسادات، «جبران خسارت ناشی از جرم در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۸، ۱۳۸۸ ش.
۳. همو، «حقوق بزه‌دیده در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی»، تهران، سمت، ۱۳۹۱ ش.
۴. بابایی، محمدعلی، جرم‌شناسی بالینی، تهران، میزان، ۱۳۹۰ ش.
۵. بسیونی، محمد شریف، بزه‌دیده‌شناسی، شناسایی حق‌های بزه‌دیدگان، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳ ش.
۶. بهبودیان، بهروز، شمول قاعده آمره بر اعمال سازوکارهای جبران خسارت ناشی از نقض‌های شدید حقوق بشر، رساله دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۴ ش.
۷. بیگی، جمال و الناز کتانچی، «رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی به خسارت معنوی قربانیان تعرضات جنسی»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، شماره ۲، ۱۳۹۷ ش.
۸. حلمی، نصرت‌الله، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و حمایت سیاسی»، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۹. خالقی، علی، «جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل»، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵ ش.
۱۰. خدادادی، ابوالقاسم و مریم افتخاری، «بازتوانی بزه‌دیده در پرتو بزه‌دیده‌شناسی بالینی»، نشریه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۷، ۱۳۹۵ ش.
۱۱. داعی، علی، حق دادخواهی و جبران خسارت نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه، رساله دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰ ش.
۱۲. دفتر کنترل جرم و مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد، عدالت برای بزه‌دیدگان، ترجمه علی شایان، تهران، سلسبیل، ۱۳۸۴ ش.
۱۳. دیرباز، مرضیه، «حمایت‌های پیرا حقوقی دیوان بین‌المللی کیفری از بزه‌دیدگان»، نشریه پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲۲، نیمسال دوم ۱۳۹۱ ش.
۱۴. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده‌شناسی، تحولات بزه‌دیده‌شناسی و علوم جنایی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. رضوی فرد، بهزاد، «جایگاه ترمیم خسارت‌های وارده به بزه‌دیدگان جنایات بین‌المللی: از حقوق بین‌الملل عمومی تا حقوق بین‌الملل کیفری»، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۵۵، ۱۳۹۰ ش.
۱۶. رضوی فرد، بهزاد و حسن فقیه محمدی، «تکامل حقوق بزه‌دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی»، نشریه حقوقی بین‌المللی، مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره ۴۵، ۱۳۹۰ ش.
۱۷. رضوی فرد، بهزاد و مرضیه دیرباز، «حمایت‌های حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی از بزه‌دیدگان»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۳، ۱۳۹۲ ش.
۱۸. سایبانی، علیرضا، حمایت از بزه‌دیدگان در دادگاه‌ها و دیوان کیفری بین‌المللی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۷ ش.
۱۹. شبت، ویلیام، مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه سیدباقر میرعباسی، تهران، جنگل، جاودانه، ۱۳۹۴ ش.

۲۰. صابر، محمود، *آیین دادرسی کیفری بین‌المللی*، تهران، دادگستر، ۱۳۸۲ ش.
۲۱. صالحی، جواد، «آثار بزه‌دیده‌شناسی بر حق مشارکت بزه‌دیده در تحقیقات مقدماتی در پرتو رویه دیوان بین‌المللی کیفری»، *نشریه حقوقی بین‌المللی*، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره ۵۲، ۱۳۹۴ ش.
۲۲. عالی‌پور، حسن، «دیوان کیفری بین‌المللی و چالش مسئولیت اشخاص حقوقی»، *حقوق کیفری بین‌المللی، فرایند، نظریه‌ها و چشم‌اندازها*، به اهتمام نسرین مهرا، تهران، میزان، ۱۳۹۰ ش.
۲۳. غلامی، حسین و امید رستمی‌غازانی، «زمینه‌های عدالت ترمیمی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، *نشریه پژوهش حقوق کیفری*، شماره ۴، ۱۳۹۲ ش.
۲۴. فلاح، محسن، «اجبران خسارت بزه‌دیدگان در دیوان بین‌المللی کیفری»، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، شماره ۴، ۱۳۸۸ ش.
۲۵. همو، *رفتار عادلانه نسبت به بزه‌دیده در اسناد چهارگانه دیوان بین‌المللی کیفری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷ ش.
۲۶. لسانی، حسام‌الدین و مرضیه دیرباز، «حمایت‌های مادی دیوان بین‌المللی کیفری از بزه‌دیدگان»، *نشریه آموزه‌های حقوق کیفری*، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ش.
۲۷. لعل‌علیزاده، محسن، «بررسی تطبیقی حقوق بزه‌دیدگان در مراحل تعقیب و تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با دیوان کیفری بین‌المللی»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، شماره ۱۹، ۱۳۹۶ ش.
۲۸. میرمحمدصادقی، حسین، *دادگاه کیفری بین‌المللی*، تهران، دادگستر، ۱۳۹۳ ش.
۲۹. نژندی‌منش، هیبت‌الله و محمدرضا ضیایی بیگدلی، «نقش دادگاه‌های بین‌المللی کیفری در حفظ و استقرار صلح و امنیت بین‌المللی»، *فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی*، شماره ۲۰، ۱۳۸۹ ش.
30. Amnesty International, *12th Annual Meeting of the ICC Trust Fund for Victim board of Directors*, 18 March 2018, <https://www.iccnw.org/documents/2015_AI_Statement_to_TFV_11th_Annual_Borad_mty.pdf>.
31. Contreras-Garduno, Diana, "Defining Beneficiaries of Collective Reparations: The Experience of the IACtHR", *Amsterdam Law Forum*, Vol. 4, No. 3, 2012.
32. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power 1985, United Nations Resolution.
33. Draft Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights law and Serious Violations of International Humanitarian Law, 2005, United Nations Resolution.
34. González, Paulina Vega, "The Role of Victims in International Criminal Court Proceedings: Their Rights and the First Rulings of the Court", *SUR-International Journal on Human Rights*, Vol. 3, No. 5, 2006.
35. International Criminal Court Statute, 1989, United Nations Resolution.
36. International Criminal Court, Registry and Trust Fund for Victims Fact Sheet, March 2011.
37. International Criminal Court, Situation in Islamic of Afghanistan, 15 April 2019, ICC-

- PIOS-Q&A-AFG-00-01/19_Eng, <<https://www.icc-cpi.int/itemsDocuments/190415-afg-qa-eng.pdf>>.
38. International Criminal Court, The Appeals Chamber, Judgment on the appeals against the “Decision establishing the principles and procedures to be applied to reparations” of 7 August 2012 with AMENDED order for reparations (Annex A) and public annexes 1 and 2, No. ICC-01/04-01/06AA2A3, 4 March 2015, <<https://www.icc-cpi.int/CourtRecords/CR2015-02631.pdf>>.
 39. International Criminal Court, Trial Chamber I, International Criminal Decision establishing the principles and procedures to be applied to reparations, No. ICC-01/04-01/06, 7 August 2012, <<https://www.icc-cpi.int/CourtRecords/CR2012-07872.pdf>>.
 40. International Criminal Court, Trial Chamber VIII, Judgment and sentence in situation of the Republic of Mali in case of the Prosecutor v. Ahmad Al Fagi Al Mahdi, No. ICC-01/12-01/15, 20 March 2018, <<https://www.icc-cpi.int/caseinformationsheets/al-mahdiEng.pdf>>.
 41. International Criminal Court, Trial Chamber VIII, Judgment and sentence in situation of the Republic of Mali in case of the Prosecutor v. Ahmad Al Fagi Al Mahdi, No. ICC-01/12-01/15, 20 March 2018, <<https://www.icc-cpi.int/caseinformationsheets/al-mahdiEng.pdf>>.
 42. International criminal Court, Trial Chamber VIII, Reparation Order in situation in the Republic of Mali in the case of the prosecutor v. Ahmad Al Fagi Al Mahdi, No. ICC-01/12-01/15, 17 August 2017, <<https://www.icc-cpi.int/courtrecords/CR2017-0517.pdf>>.
 43. Magarrell, Lisa, *Reparation in Theory and Practice*, Reparative Justice Series, International Center for Transitional Justice, 2007.
 44. McLaughlin, Eugene & John Muncie (Eds.), *The Sage Dictionary of Criminology*, 3rd Ed., London, Sage Publication, 2013.
 45. Mégret, Frédéric, “The International Criminal Court Statute and the Failure to Mention Symbolic Reparation”, *International Review of Victimology*, Vol. 16, No. 2, 2009.
 46. Rayejian Asli, Mehrdad, “Introducing General Theory of Victimology in Criminal Sciences”, *International Journal of Humanity*, Vol. 20(3), 2013.
 47. Regulations of Trust Fund for Victims, 2005, United Nations Resolution.
 48. Rules of Procedure and Evidence, 2002, United Nations Resolution.
 49. Wemmers, Jo-Anne, *Reparation and the International Criminal Court: Meeting the Needs of Victims*, University of Montreal, 2006.
 50. ZakerHosseini, Mohammad, *Situation Selection Regime at the International Criminal Court*, Intersentia, 2017.